

مدل مفهومی خودنمایشی نابهنجار براساس متون دینی

مجتبی حافظی^۱، محمدصادق شجاعی^۲، مجتبی فرهوش^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تدوین مدل مفهومی خودنمایشی نابهنجار براساس متون دینی و بررسی میزان روایی آن بود. با توجه به هدف، ابتدا با رویکردی کیفی با راهبرد «جست‌وجوی واژگانی» به وسیله ۲۷ واژه مرتبط، ۳۶۳ گزاره دینی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند براساس اصل اشباع در منابع اسلامی جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی موردبررسی قرار گرفت. سپس برای حصول اطمینان از تطابق آن‌ها با محتوای متون دینی از یک سو و کاربرد آن در حوزه روان‌شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته‌ها با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان به وسیله یازده کارشناس با محاسبه «شاخص روایی محتوا» و «نسبت روایی محتوا» موردبررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد سازه خودنمایشی نابهنجار دارای هشت نشانه (شیفته مدح و ستایش بودن، شهرت‌طلبی به هدف غیرالهی، ناهماهنگی ظاهر و باطن، خودنمایی با جلوه‌های ظاهری، نمایش فعل نیکو برای دیگران، نشاط و انگیزندگی در حضور دیگران، کسالت و تنبلی در تنهایی و خودستایی گفتاری) و شش شرط علی است. این یافته‌ها بستر مناسبی برای تدوین پرسش‌نامه این سازه و طراحی مداخله درمانی و بسته آموزشی آن فراهم کرده است. این یافته‌ها بستر مناسبی برای تدوین پرسش‌نامه این سازه و طراحی مداخله درمانی و بسته آموزشی آن فراهم کرده است. واژه‌های کلیدی: روش کیفی، خودنمایی، شخصیت خودشیفته، شخصیت نمایشی، منابع اسلامی، نابهنجار.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (mhafezi@rihu.ac.ir) نویسنده مسئول.

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

The Conceptual Model of Abnormal Self-Histrionic Based on religious texts

Mojtaba Hafezi, phd student psychology ,Department of psychology, Research Institute of behavioral sciences, Research Institute of Hawzah and university,Qom, iran.

Mohammadsadegh Shojaii ,Assistant professor,Department of psychology, Al- Mustafa International university,Qom, Iran.

Mojtaba Farhoush: phd student Quran and psychology Department of psychology, Al-Mustafa International university,Qom, Iran.

QAbstract

The purpose of this study was to develop a conceptual model of abnormal self-histrionic based on religious texts and to examine its validity. According to the purpose, first with a qualitative approach with the strategy of "lexical search" by 27 related words, 363 religious statements were collected using purposeful sampling based on the principle of saturation in Islamic sources and using the method of qualitative analysis of the content of religious texts was examined. Then, to ensure their compatibility with the content of religious texts on the one hand and its application in the field of psychology on the other hand, the findings which are validated by evaluating the opinions of 11 experts by calculating the content validity index (CVI) and content validity ratio (CVR) was examined. Findings from the study showed that the structure of abnormal ostentation has eight signs (fascinated by praise, fame for non-divine purpose, inconsistency of appearance and inwardness, ostentation with outward manifestations, showing good deeds to others, cheerfulness and arousal in the presence of others, boredom and laziness In loneliness and verbal boasting) and six causal. conditions These findings have provided a suitable basis for compiling a questionnaire of this structure and designing a therapeutic intervention and its educational package.

Keywords: qualitative method, ostentation, narcissistic personality, histrionic personality, Islamic sources, Abnormal

مقدمه

شناخت خود و ماهیت آن همواره یکی از دغدغه‌های انسان بوده و این مسئله از گذشته دور، مورد توجه فلاسفه و روان‌شناسان قرار گرفته است (کاستلو و کاستلو، ۱۹۹۲، ترجمه پورافکاری، ۱۳۷۳). یکی از موضوعات مورد توجه در این زمینه، مسئله خودنمایی و نمایش خود است. موضوع خودنمایی و نمایش خود جایگاه ویژه‌ای در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی داشته و در دامنه‌ای از بهنجار تا نابهنجار قرار می‌گیرد.

در حالت بهنجار مفهوم نمایش خود، از اولین افرادی که معتقد بود انسان‌ها در مواجهه با دیگران نیاز دارند خودشان را فردی بهتر و موجه‌تر از آنچه هستند، نشان دهند گافمن^۱ (۲۰۰۲) بود. از نگاه او خودنمایی فرایندی برای کنترل چگونگی درک شدن شخص توسط افراد دیگر است. هدف از خودنمایی نمایش تصویری مثبت از خود به دیگران و ایجاد اثرگذاری مطلوب بر آن‌ها با جهت‌دهی جریان اطلاعات شخصی است (زنک^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

از نظر کوهات^۳ (۱۹۷۲)، یکی از نیازهای شکل‌گیری خود اولیه براساس نیاز به نشان دادن خودِ عالی است. خودِ عالی نمایش گرانه زمانی ایجاد می‌شود که کودک با شیء خود «بازتابنده» که تأیید رفتارش را منعکس می‌کند، ارتباط برقرار کند. از نظر کوهات اگر این خودانگاره با بزرگ‌تر شدن بدون تغییر باقی بماند، به شخصیت بزرگسال خودشیفته بیمارگون منجر می‌شود.

در دوره نوجوانی نیز الکایند^۴ (۱۹۶۷) که با الهام از نظریه پیازه «خودمحوری»^۵ این دوره و آثار آن را مورد توجه قرار داد، دریافت که نوجوان دارای این باور است که دیگران او را مرکز توجه خود قرار داده‌اند و ظاهر و رفتار او برای دیگران اهمیت دارد. از آثار چنین شرایطی این است که نوجوان در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، واکنش‌های افراد در قبال خود را پیش‌بینی کرده و همین جریان باعث ایجاد مفهومی شناختی به‌نام «تماشاگران خیالی»^۶ در نوجوان خواهد شد. براساس این مفهوم، نوجوان عقیده دارد که افراد همواره در حال قضاوت در مسائل او هستند و همیشه در مرکز توجه دیگران است.

-
1. Goffman
 2. Zeng
 3. Kohut
 4. Elkind
 5. egocentrism
 6. imaginary audience

به کمک این مفهوم علت اهمیت خودنمایی نزد دیگران را متوجه و مشخص می‌شود که چرا نوجوان ساعت‌ها صرف بررسی جزئیات ظاهر خود می‌کند.

از نگاه شلنکر^۱ (۱۹۸۰) «خودنمایان‌گری»^۲ شامل رفتارهایی است که اشخاص برای ایجاد و حفظ چهره‌ای مطلوب در مواجهه با دیگران انجام می‌دهند. او «خودنمایان‌گری» را راهبردی می‌داند که اشخاص برای مهم به نظر رسیدن از نگاه دیگران به کار می‌گیرند. این افراد برای نمایش خود به عنوان فردی دوست‌داشتی، تاکتیک‌هایی مانند خودشیرینی^۳، شبیه‌سازی، چاپلوسی، فروتنی و جذابیت‌های فیزیکی را استفاده می‌کنند. همچنین ممکن است اشخاص با نمایش مصنوعی قدرت از راه وضع ظاهری خود و زیورآلات نظرات خود را به دیگران منتقل کنند (گواداگنو و سیالدینی^۴، ۲۰۰۷). همچنین در تاکتیک‌های خودمحور^۵ اشخاص تلاش می‌کنند خود را کارکنانی پرتلاش و باکیفیت نمایش دهند. این افراد علاقه دارند چهره‌ای صمیمانه و دوستانه از خود نشان دهند (بالینو^۶ و همکاران، ۲۰۰۶).

در حالت نابهنجار نمایش خود، در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۷، اختلال شخصیت نمایشی^۸ در افرادی تشخیص داده می‌شود که وقتی در کانون توجه قرار می‌گیرند، بسیار لذت می‌برند و همواره دارای رفتار نمایشی و پرزرق‌وبرق هستند. این افراد اغلب تلاش می‌کنند به صورت افراطی توجه دیگران را به خودشان جلب کنند که رفتار آن‌ها مضحک به نظر می‌رسد. همچنین توقع اطمینان‌آفرینی، تحسین و تأیید از جانب دیگران دارند و اگر آن را دریافت نکنند، عصبانی می‌شوند (هالجین و ویتبورن^۹، ۲۰۱۴). این افراد بدون توجه دیگران قادر به زندگی نیستند و مثل دارو به آن نیازمند هستند. اگر دیگران به غیر از آن‌ها توجه کنند احساس ناراحتی و تلاش می‌کنند دوباره در صحنه نمایش قرار بگیرند و به روش‌های مختلف برای جلب توجه نقش بازی کنند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^{۱۰}، ۲۰۱۳). در صحبت کردن این افراد، ژست‌ها^{۱۱}، تأکیدها و

1. Schlenker
2. self-presentation
3. ingratiation
4. Guadagno & Cialdini
5. self-focused tactics
6. Bolino
7. DSM-5: Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
8. histrionic personality disorder
9. Halgin & Whitbourne
10. American Psychiatric Association, D. S.
11. gesture

مکث‌های نمایشی شایع است. لغزش‌های زبانی در گفتار آن‌ها زیاد است و زبانی پررنگ و لعاب دارند. ابراز هیجانی آن‌ها اغراق‌آمیز، تئاترگونه و توأم با خودنمایشی است و رفتار اغواگرانه^۱ در این گونه بیماران، از هر جنسی که باشند، شایع است (سادوک و همکاران، ۲۰۱۵، ترجمه رضاعی، ۱۳۹۹). همچنین این افراد احساس می‌کنند آدم بسیار مهمی هستند، اما در پشت این احساسات، عزت نفس شکننده‌ای دارند و حتی نسبت به انتقادهای جزئی هم آسیب‌پذیرند (سادوک و همکاران، ۲۰۱۵، ترجمه رضاعی، ۱۳۹۹).

اختلال دیگری که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، نشانه‌هایی از نمایش خود و خودنمایی وجود دارد، اختلال شخصیت خودشیفته^۲ است. از ملاک‌های تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفته در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی تلاش‌های مفرط برای جلب کردن توجه دیگران و کانون توجه آن‌ها بودن و تحسین خواهی است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). همچنین توصیف بالینی از خودشیفتگی بزرگ‌منشانه بالا بردن تصویر مثبت از خود بدون احساس نیاز به موفقیت‌ها، فقدان همدلی و نمایشگری را در برمی‌گیرد (کاین^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). خودشیفتگی در هر شکل آن با انتظارات بالای فرد برای موفقیت، مورد تأیید و تحسین شدن همراه است (مورف^۴ و همکاران، ۲۰۱۱).

به تعبیر چو و فارن^۵ (۲۰۱۵) افراد خودشیفته همواره دارای ویژگی‌های خودنمایی^۶، برتری‌جویی^۷، خودستایی^۸ هستند. همچنین هورنای^۹ یکی از گرایش‌های روان‌رنجور که مطرح کرد حرکت علیه مردم یا «شخصیت پرخاشگر»^{۱۰} بود. این افراد همواره تلاش می‌کنند که خود را نمایش داده، به شهرت برسند و نمونه شوند. این افراد تنها در صورتی ارضا می‌شوند که دیگران برتری آن‌ها را تأیید کنند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۶). همچنین از نگاه هورنای یکی از راه‌هایی که کودک برای مصونیت از آزار دیگران انتخاب می‌کند

-
1. seductive
 2. narcissistic personality disorder
 3. Cain
 4. Morf
 5. Chou
 6. exhibitionism
 7. superiority
 8. self-sufficiency
 9. Horney
 10. aggressive personalites

شیوه برتری طلبی^۱ است. در این شیوه کودک به اجبار شخصیت فرد برتری طلب را نمایش می دهد و همواره با یک نقاب زندگی می کند؛ بنابراین هر روز از خود واقعی^۲ خود، فاصله بیشتری می گیرد و بیشتر به تخیل پناه می برد (هورنای، ۲۰۱۳).

یونگ^۳ در نظریه شخصیت خود به مفهوم خود اشاره کرده است. او بین خود واقعی یا معتبر و خود کاذب یا نامعتبر فرق می نهد. خود کاذب در زیر نقاب مخفی شده است. با کنار زدن این نقاب و پدیدار شدن هویت نامعتبر «من» شخص می تواند خود واقعی اش را به فعلیت برساند (برک، ۲۰۰۷، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۷).

از نگاه لی^۴ (۱۹۹۹) مفهوم «خودنمایان گری» دربرگیرنده انواع راهبردهایی است که انسان ها به کار می گیرند تا تصورات افراد درباره خود را کنترل کنند و همکاران را تحت تأثیر قرار دهند. در این راهبردها، با وجود آنکه افراد با نمایش مثبت از خود تلاش می کنند تأثیرگذاری مطلوب از خود بر دیگران داشته باشند، اما گاهی برای رسیدن به اهداف اجتماعی، سعی می کنند با فریب، قربانی کردن دیگران و وانمود کردن دروغین، برای دیگران تصویر مثبتی از خود به نمایش بگذارند (سایینی، ۱۹۹۵).

همچنین از نگاه فوینتیات^۵ (۲۰۰۸) دورو بودن بر یک مسئله ساده مبتنی است؛ چیزی را گفتن و انجام دادن کاری دیگر. پارادایم نفاق بر یک اصل بسیار ساده استوار است؛ گفتن چیزی و انجام دادن کاری دیگر. وجود چنین ناهمخوانی آشکاری سبب برانگیختن حس نفاق (همان ناهماهنگی) در فرد می شود. در این گونه موارد ساده ترین کار برای کاهش حالت آزاردهنده نفاق تغییر رفتار بعدی و همسو کردن آن با گفتار است.

از نگاه برخی روان شناسان، دین داری نیز می تواند جنبه نمایشی به خود پیدا کند. آلپورت (۱۹۶۸) می گوید: مذهب می تواند برای برخی افراد جنبه ابزاری و نمایشی داشته (جهت گیری بیرونی^۶) و درمقابل برای برخی دیگر جنبه درونی و انگیزه اصلی زندگی (جهت گیری درونی^۷) باشد. مذهب با جهت گیری بیرونی، پدیده ای خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهایی مانند ایمنی و مقام به کار می رود. اساساً برای این افراد مذهب به

-
1. moving against people
 2. real self
 3. Jung
 4. Lee
 5. Sabini
 6. Fointiat
 7. outer orientation
 8. internal orientation

وسیله‌ای برای خودمیان‌بینی^۱ بیشتر تبدیل می‌شود و آن‌ها را به سمت نمایش دادن بیشتر خود سوق می‌دهد. نتایج تحقیقات جدید نیز رابطه میان مذهب بیرونی و نمایشی با برخی اختلالات روانی را نشان می‌دهند. برای نمونه، فروهری^۲ و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری بیرونی مذهبی دارای هم‌بستگی با اضطراب و افسردگی است. واینبرگر^۳ و همکاران (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به این یافته رسیدند که هرچه سطح جهت‌گیری مذهبی بیرونی‌تر و براساس انتظارات اجتماعی باشد سطح بالاتری از اختلال خوردن و نارضایتی از بدن در فرد پیش‌بینی می‌شود.

در منابع اسلامی، خودنمایی نابهنجار با تعابیر و واژه‌های مختلف بیان شده است. برای نمونه ازجمله مفاهیم مرتبط با خودنمایی نابهنجار در منابع اسلامی می‌توان به ریا (الریاء)، شهرت‌طلبی (الشهرة)، ستایش (المدح)، دورویی (النفاق)، خودآرایی (التبرج)، گمنامی (الخُمول) و آوازه (السمعة) اشاره کرد.

برای ریا در کتاب‌های اخلاقی تعاریف مختلفی بیان شده است. نراقی (۱۳۷۸) بر این باور است که ریا به رفتاری گفته می‌شود که فرد طالب و خواستار اعتبار و منزلت پیدا کردن نزد مردم است که به دو وسیله صورت می‌پذیرد: به وسیله افعال خیر و به وسیله افعالی که خود آن فعل خیر نیست، اما از آن می‌توان پی به امور خیر برد، اما طوسی (۱۴۰۹) مفهوم ریا را نه به صورت خواسته‌ای قلبی و طلب بلکه به صورت فعل تعریف می‌کند و می‌گوید ریا اظهار کردن فعل زیباست، درحالی که باطن زشت دارد. رازی (۱۳۶۶) نیز همین تعریف را برای ریا آورده است و در تعریف ریا پنهان کردن کار بد را هم دخیل دانسته است. موسوی خمینی (۱۳۸۴) نیز ریا را به صورت یک فعل تعریف کرده و آن را عبارت دانسته از نشان دادن و وانمود کردن و سه حوزه برای آن ترسیم کرده است. حوزه نشان دادن رفتار نیک، حوزه نشان دادن صفات و خصال نیک و حوزه نشان دادن باورها و عقاید نیک که تمام این موارد به قصد جایگاه پیدا کردن نزد دل‌های دیگران و بدون قصد الهی انجام می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ریا را در اصطلاح اندیشمندان مسلمان میل و علاقه به جایگاه پیدا کردن نزد مردم که از جنبه‌های رفتاری آن تظاهر کردن و خود را نمایش دادن به غیر قصد الهی است، تعریف کرد.

1. Ego-centric

2. Forouhari

3. Weinberger-Litman

نفاق نیز به لحاظ کارکردی در این حوزه معنایی قرار می گیرد. مجلسی (۱۴۰۳ق) فردی را دارای نفاق می داند تظاهر به دین داری می کند، اما در درون باوری ندارد و نداشتن این باور قلبی و تسلیم درونی از ویژگی های مشهود چنین فردی است. موسوی خمینی (۱۳۸۴) نفاق را به این معنا دانسته که فرد به شکلی خود را نمایش دهد که درون و قلبش با آن متفاوت است. مثلاً در ظاهر نمایش محبت بدهد و در درون خلاف آن باشد. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق) نفاق را ابتدا وارد شدن به دین و شریعت و سپس دوباره خارج شدن از آن معنا کرده است. نراقی (۱۳۷۸) نفاق را به معنای دورویی و دوزبانی دانسته و فردی را مثال زده است که دیگران را در حضور آن ها ستایش و اظهار دوستی می کند، اما در غیاب آن ها، مذمت و درصدد اذیت کردن آن ها باشد. در یک جمع بندی کلی می توان نفاق را به معنای نمایش دادن امری دانست که فرد باور درونی به آن ندارد و تنها تظاهر به آن امر می کند.

یکی دیگر از واژه های مرتبط با خود نمایشی نابهنجار مفهوم سمعه است. مجلسی (۱۴۰۳ق) سمعه را در عرف محدثین به معنای این دانسته که فرد کارهای عبادی خود را برای آنکه دیگران او را به نیکی یاد کنند، به گوش آن ها برساند. اما برخی مانند شبّر (۱۳۷۴) سمعه را رساندن هر کاری اعم از عبادی و غیر آن به دیگران برای شهرت پیدا کردن نزد آن ها دانسته است. موسوی خمینی (۱۳۸۴) نیز سمعه را به معنای نمایش صفات و ویژگی های خود به دیگران برای شهرت و جلب قلوب دانسته است. سجادی (۱۳۶۷) در تعریف سمعه آن را دارای ماهیتی گفتاری (مانند گفتار خود) یا خواندنی (مانند قرائت قرآن کریم) دانسته که به هدف نمایش دادن به مردم انجام می شود. در یک جمع بندی کلی میتوان سمعه را نمایش کارهای نیک و غیر نیک به هدف مقام پیدا کردن نزد غیر خداوند دانست که این اظهار حتی ممکن است موافق با درون و طبع فرد نیز باشد.

بیشتر پژوهش های پژوهشگران مسلمان که مرتبط با مفهوم خودنمایی و نمایش خود نابهنجار انجام گرفته است تحت عنوان مفاهیم ریا، نفاق و تبرج صورت گرفته است. برای نمونه، اسلامی پناه (۱۳۹۲) با روش توصیفی-استنباطی معنا، جایگاه و آسیب های ریا را از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی مورد بررسی قرار داده است. او در پژوهش خودش تلاش کرده است ماهیت ریا، عوامل زمینه ساز و پیامدهای اجتماعی آن را مورد بررسی قرار دهد.

محسنی (۱۳۸۶) ریا را از منظر قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش نیز، مفهوم شناسی ریا، اقسام ریا، عوامل ریا و نشانه های ریاکاران، پیامدهای سوء

ریا و روش‌های پیشگیری و درمان ریا موردبررسی قرار گرفته است. همچنین در باب مفهوم نفاق برای نمونه شاه‌پسند و تیزابی (۱۳۹۳)، کفش‌کنان و مردانی (۱۳۹۳)، آخوندی (۱۳۹۳)، پژوهنده و دروگر (۱۳۹۰)، میرزایی (۱۳۹۰)، بزرگ‌زاده (۱۳۸۷) هریک به‌نحوی به مفهوم شناسی نفاق، انواع و مراتب آن در منابع اسلامی پرداخته‌اند. همچنین در باب مفهوم تبرج و خودآرایی برای مثال نمکی و سیدان (۱۳۹۵)، روحی و همکاران (۱۳۹۳)، روحی و همکاران (۱۳۹۲)، کملی (۱۳۹۰)، ابراهیم‌نژاد (۱۳۸۷)، علوی‌نژاد (۱۳۸۶)، صدقی (۱۳۸۱) هریک به‌نوعی مؤلفه‌های این مفهوم و علل و پیامدهای آن را از دیدگاه اسلامی موردبررسی قرار داده‌اند. در تمامی پژوهش‌های ذکرشده، تنها به بررسی تک‌مفهومی از مفاهیم مربوط به خودنمایشی نابهنجار پرداخته شده است و به‌صورت کامل حوزه‌ی معنایی خودنمایشی نابهنجار موردبررسی قرار نگرفته است. همچنین در پژوهش دیگری که فقیهی، حاجی اسماعیلی و طاهرنشاط دوست (۱۳۹۹) انجام دادند به بررسی اختلال شخصیت‌نمایشی در آموزه‌های اسلامی و تطبیق آن با یافته‌های روان‌شناسی پرداختند. در این پژوهش محقق رویکردی تطبیقی داشته و تلاش کرده است که نشانگان اختلال شخصیت‌نمایشی را که در روان‌شناسی مطرح است بر آموزه‌های اسلامی تطبیق دهد. همچنین ازجمله اشکالات مهم دیگر آن می‌توان به استفاده از کتب اسلامی با سند بسیار ضعیف، روش‌مند نبودن استخراج یافته‌ها از منابع اسلامی و عدم فحص نسبتاً کامل در منابع اسلامی اشاره کرد.

این پژوهش در پی آن است که با رویکردی تأسیسی و براساس روشی کیفی مجموع مفاهیم موجود مشیر به خودنمایشی نابهنجار در منابع اسلامی را ذیل یک عنوان واحد مفهوم‌سازی کند و در یک مدل مفهومی موردبررسی قرار دهد و میزان روایی آن را بسنجد. مفاهیمی در این پژوهش موردبررسی قرار خواهند گرفت که دارای دو ویژگی باشند: ۱. در آن مفهوم نمایش دادن خود، نقش محوری داشته باشد؛ ۲. آن مفاهیم از نگاه اسلامی نابهنجار باشد و اسلام از متخلق شدن به آن‌ها نهی کرده باشد.

روش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹الف) استفاده شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳) صورت می‌گیرد.

جامعه متنی پژوهش قرآن کریم و همه روایات موجود در کتب قبل از قرن پنجم (کتب الف و ب) بود. به طور کلی آثار مأثور از پیشوایان معصوم^(ع) و آثار منقول علمای تا سده پنجم هجری همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی از جمله منابع درجه الف و ب به شمار می آیند (طباطبایی، ۱۳۹۸). با استفاده از نمونه گیری هدفمند، متون ۳۲ باب از کتاب میزان/الحکمة (انتخاب این کتاب جهت ساختارمند شدن مطالعات) با درجه بندی الف و ب که مرتبط با مفهوم خودنمایشی نابهنجار بود انتخاب شد. از متون با درجه ج فقط به عنوان مویده استفاده شده است. تعداد نمونه مورد مطالعه براساس اصل اشباع^۱ در حجم نمونه در نظر گرفته شد (گلیسر و استراوس^۲، ۱۹۶۷). اشباع نظری به وضعیتی اشاره می کند که هیچ داده بیشتری یافت نمی شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی های مقوله را گسترش دهد (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷). جامعه آماری در بخش کمی متخصصان روان شناسی و علوم حوزوی در شهر قم بودند. افرادی که در تحصیلات دانشگاهی روان شناسی دارای تحصیلات عالیه (مدرک تخصصی دکترا) و در تحصیلات حوزوی در سطوح خارج (تحصیلات سطح سوم و چهارم) مشغول یا فارغ التحصیل شده اند.

فرایند پژوهش به این شکل است که ابتدا با استفاده از راهبرد «جست و جوی واژگانی» در منابع اسلامی (نرم افزار جامع الاحادیث و میزان/الحکمة) و با استفاده از ۴ واژه (الریاء، السمعة، الشهرة و المدح)، ۶۵ حدیث مرتبط با «خودنمایشی نابهنجار» استخراج شده است. سپس با استفاده از اصل هم معنایی^۳، تقابل معنایی^۴ و حوزه واژگانی^۵ از اصول معناشناسی زبانی در چندین رفت و برگشت میان منابع اسلامی و کتب لغوی، ۲۳ لغت مرتبط دیگر پیدا شده (که در بخش یافته ها ذکر شده است) که با کمک این لغات، ۲۹۸ روایت دیگر استخراج شده است. در مجموع با استفاده از ۲۷ واژه مرتبط، ۳۶۳ گزاره دینی مشتمل بر ۳۲ باب از کتاب میزان/الحکمة جمع آوری شده است.

سپس در یک توالی نقطه به نقطه و به صورت تدریجی مستندات مربوط به خودنمایشی نابهنجار در سه مرحله به صورت زیر گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار

1. Saturation
2. Glaser and Strauss
3. synonym
4. semantic opposition
5. lexical field

گرفت. استراتژی توالی نقطه‌به‌نقطه در پژوهش‌های فرایندی و مواردی که پژوهشگر یافته‌های مربوط به یک مرحله از تحقیق را نقطه شروعی برای مرحله بعدی در نظر می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۹۹ب) کاربرد دارد.

مرحله اول پژوهش: پس از جست‌وجوی واژگانی، با غرقه شدن در محتوا، ابتدا چند بار داده‌ها به دقت مطالعه شد. با این کار برداشتی اولیه از موضوع مورد پژوهش پیدا شد. در این مرحله ابتدا غربالگری^۱ اولیه صورت گرفت؛ یعنی داده‌هایی که کم‌تر با موضوع پژوهش ارتباط داشتند کنار گذاشته شدند. در این مرحله ۲۶۰ روایت حذف شد. سپس با استفاده از پرسش‌های پیش‌برنده و با توجه به معنای واژه‌ها، ابعاد و خصوصیات آن‌ها در دو سطح واژه‌ای^۲ و گزاره‌ای^۳ معنای ظاهری لغات اصلی و معنای آیات و احادیث به صورت ترکیبی استخراج شد. تلاش شد با استفاده از اصل تحلیل مؤلفه‌ای و هم‌ریخت‌بینی کل‌نگر به تعریفی جامع و نهایی دست یافت. در نتیجه این گام، برداشت‌های اولیه از گزاره‌ها صورت گرفت؛ و در انتهای این مرحله پردازش شبکه‌ای صورت گرفت. هر مورد به یک سیستم شبکه‌ای بسط داده شد و مفاهیم مرتبط با مفاهیم اولیه مورد بررسی قرار گرفت.

مرحله دوم پژوهش: صورت‌بندی داده‌ها انجام گرفت. ابتدا محتواهای اساسی شکل گرفت؛ یعنی ویژگی‌هایی از داده‌ها که به نظر پژوهشگر جنبه روان‌شناختی دارد. سپس داده‌های داخل آن‌ها براساس تشابه کارکردی و با استفاده از اصل هم‌ریخت‌بینی کل‌نگر در قالب یک سری مؤلفه‌ها^۴ و عناصر^۵ دسته‌بندی و نام‌گذاری شدند. در مرتبه بعد سازه^۶ کشف شد. سازه به الگویی مفهومی اشاره دارد که با ترکیب بخش‌هایی از اطلاعات توسط پژوهشگر ساخته می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۹الف). در این مرحله غربالگری ثانویه انجام شد. برای دستیابی به سازه‌ها از میان جنبه‌های بسیار مختلف اطلاعات، فقط عناصر ویژه‌ای که ظرفیت آن‌ها برای توضیح، تولید، درک و فهم روان‌شناختی مهم هستند، گزینش و بقیه موارد نادیده گرفته خواهند شد (چیری^۷، ۲۰۱۵). در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی

1. screening
2. vocabulary level
3. propositional level
4. components
5. elements
6. construct
7. Chiari

از این سازوکار به تفکیک معنایی یا غربالگری ثانویه یاد می‌شود. در این پژوهش علاوه بر سازه‌های اصلی، فرایندهای وابسته شرایط علی^۱، نشانگرها^۲ و پیامدها^۳ نیز استخراج شد. مرحله سوم پژوهش: بازآفرینی نهایی و ارائه گزارش انجام گرفت که در این مرحله پژوهشگر ضمن بازنگری یافته‌ها، گزارش نهایی را ارائه کرد. هدف از گزارش نهایی این است که علاوه بر پاسخ سؤال‌های پژوهش، فرایند کار و شیوه تحلیل داده‌ها به گونه‌ای ارائه شود که قابل فهم باشد.

مرحله چهارم: اعتبارسنجی^۴: برای حصول اطمینان از تطابق آن‌ها با محتوای متون دینی از یک سو و کاربرد آن در حوزه روان‌شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت (شجاعی، ۱۳۹۹ الف). ابتدا متقن بودن یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت. متقن بودن به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی^۵ و پایایی^۶ در نظر گرفته شده است و به میزان صحت و درستی یافته‌ها و دقت در گردآوری و تحلیل داده‌ها اشاره دارد. سنجش این ملاک با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان انجام شد. طبق نظر لین^۷ (۱۹۸۶)، به نقل از پولیت و بک^۸ (۲۰۰۶) کم‌ترین تعداد متخصصان باید سه نفر باشند و بیشتر از ده نفر نیز ضرورت ندارد. طبق پیشنهاد لین (۱۹۸۶)، به نقل از پولیت و بک (۲۰۰۶) نمره شاخص روایی محتوا^۹ برای تک‌تک مؤلفه‌ها نباید کم‌تر از ۰/۷۸ باشد که در غیر این صورت مؤلفه مدنظر روایی لازم برای آن مفهوم را ندارد و باید حذف یا پس از بازنگری دوباره روایی‌سنجی شود. همچنین نسبت روایی محتوا^{۱۰} سنجیده شد. از متخصصان درخواست شد نظراتشان را درباره ضرورت هر مؤلفه برای سازه درج کنند. طبق نظر لاوشی (۱۹۷۵) حداقل میزان نسبت روایی محتوا قابل قبول برای یازده کارشناس ۰/۵۹ است.

سپس مفید بودن یافته‌ها سنجیده شد. مفید بودن به میزان اهمیت و کاربردی‌پذیری یافته‌ها در بافت روان‌شناختی (عملکرد حرفه‌ای) اشاره دارد. برای بررسی این شاخص، از دقت و بازنگری توسط خود پژوهشگر (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) استفاده شد.

1. Causal conditions
2. markers
3. outcomes
4. validation
5. validity
6. reliability
7. Lynn
8. Polit & Beck
9. Content Validity Index (CVI)
10. Content Validity Ratio (CVR)

یافته‌ها

این پژوهش با هدف تدوین مدل مفهومی خودنمایشی نابهنجار انجام شد. یافته‌های مربوط به جست‌وجوی واژگانی نشان داد که کلمات السمعة، الرئاسة، النفاق، الإخلاص، التبرج، التدليس، الخدعة، الشرك، الرفعة، الشهرة، العلانية، الإطار، التثني، الرياء (مثل المرائي، يُراؤون، مُراءاة الناس، رثاء الناس)، الحمد (مثل المحامد، المَحْمَدَة، يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ)، الودد (مثل وُدًّا)، الحُب (مثل المَحَبَّة، حُبِّيا، مُحَبِّبًا، حَبِّبَنِي، حُبُّ الرِّئَاسَةِ، حُبُّ الشَّرَفِ و حُبُّ الذِّكْرِ، مِنْ حُبِّ الْمَالِ و الشَّرَفِ)، المدح (مثل المَمَادِحِ، مُدِحَتِ المَدَّاحِينَ)، الخفي (مثل الأَخْفِيَا)، الشهرة (مثل يَشْهَرُهُ، مَشْهُورَةً، الشُّهُرَةُ، الاشتهار)، الغرة (مثل لَا تَغْتَرَّ، الْمُغْتَرَّ)، الحُمُولِ (مثل فُلْيُحْمِلِ)، الزكي (مثل تَزَكِيَّةِ الرَّجُلِ، لَا اِزْكِيَّه، زَكَّى)، الكُنُوزِ (مثل كُنُوزِ الْبِرِّ)، الإشارة (مثل أَشَارَ إِلَيْهِ، يُشَارَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِ)، التملق (مثل مُتَمَلِّقٍ) در حوزه معنایی مفهوم خودنمایشی قرار می‌گیرد.

سپس همانطور که در بخش روش توضیح داده شد، پس از غربالگری اولیه، پرسش‌های پیش‌برنده و پردازش شبکه‌ای، صورت‌بندی داده‌ها انجام گرفت. در نهایت پس از شکل‌گیری محتواهای اساسی، مؤلفه‌ها و در پایان سازه‌ها کشف شد. جدول مربوط به صورت‌بندی داده‌ها مشتمل بر محتوای استنباط‌شده، مؤلفه‌ها و سازه‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱ گزاره‌ها، محتوای استنباط‌شده، مؤلفه‌ها و سازه‌های مدل

سازه‌ها	مؤلفه‌ها	محتوای استنباط‌شده	گزاره‌ها
		شریک قرار دادن در پرستش خداوند عمل ریاکارانه است.	رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَ قَدْ رَأَى شِدَادُ بْنُ أَوْسٍ يَبْكِي فَسَأَلَهُ عَمَّا يُبْكِيهِ: إِنِّي تَخَوَّفْتُ عَلَى أُمَّتِي الشَّرْكَ، أَمَا إِنَّهُمْ لَا يَعْبُدُونَ صَنَمًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَ لَكِنَّهُمْ يُرَاوُونَ بِأَعْمَالِهِمْ. (شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۷۹)
شرایط علی	دادن برای خداوند در پرستش	شرک کوچک همان ریاست.	عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشَّرْكَ الْأَصْغَرَ. قَالُوا: وَ مَا الشَّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الرِّيَاءُ. (منية المريد، ص ۳۱۷)
		اندکی ریا هم شرک است.	الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شَرِّكَ. (تحف العقول، ص ۱۵۱)

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
الإمام الباقر عليه السلام: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن تفسير قول الله: فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فقال: مَنْ صَلَّى مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ... وَ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ. (تفسير القمى، ج ۲، ص ۴۷)	انجام فرمان‌های خدا برای خودنمایی به مردم شرک است.		
الإمام الصادق عليه السلام- في قوله عز وجل: فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ...: الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيبَةَ النَّاسِ، يَشْتَهِي أَنْ يَسْمَعَ بِهِ النَّاسُ، فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۴)	انجام کار دارای ثواب برای ستایش مردم شرک است.		
عنه عليه السلام- لَمَّا سَأَلَهُ الْعَلَاءُ بْنُ فَضِيلٍ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ: مَنْ صَلَّى أَوْ صَامَ أَوْ أَعْتَقَ أَوْ حَجَّ يُرِيدُ مُحَمَّدًا النَّاسِ فَقَدْ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِ وَ هُوَ شِرْكٌ مَغْفُورٌ. (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۳۵۲)	ریا شرکی است که آمرزیده می‌شود.		
عنه عليه السلام: كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ، إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۳)	هرگونه ریایی شرک است.		
الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عز وجل: أَنَا خَيْرُ شَرِيكَ، مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۵)	تنها عملی پذیرفته می‌شود که خالص برای خداوند باشد.		
الإمام علي عليه السلام- وَ قَدْ أَجَابَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ بِكَلامٍ طَوِيلٍ يُكْثِرُ فِيهِ الثَّنَاءَ عَلَيْهِ وَ يَذْكُرُ سَمْعَهُ وَ طَاعَتَهُ لَهُ: إِنَّ مِنْ حَقِّ مَنْ عَظَّمَ جَلَالَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي نَفْسِهِ وَ جَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْغُرَ عِنْدَهُ- لِعَظَمِ ذَلِكَ- كُلُّ مَا سِوَاهُ... وَ قَدْ كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ جَالٌ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَ اسْتِمَاعَ الثَّنَاءِ وَ لَسْتُ- بِحَمْدِ اللَّهِ- كَذَلِكَ؛ وَ لَوْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يَقَالَ ذَلِكَ لَتَرَكْتُهُ انْحِطَاطًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عَنْ	بزرگ بودن جلال و شکوه خداوند در جان باعث کوچکی هر چیزی جز خدا در نظر است. میل به مدح و ثنا به دلیل خضوع در برابر خداوند رها باید کرد.	عدم باور به کبرایی و عظمت خداوند	

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
تَنَاولُ مَا هُوَ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَظْمَةِ وَالْكَبِيرَاءِ. (نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص: ۳۳۴)	مدح و ستایش و ثناء تنها سزاوار خداوند است. ستودن انسان‌ها و مخلوقات، شایسته نیست.		
عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ وَ التَّعْدَادِ الْكَثِيرِ، إِنَّ تَوْمَلَ فَخِيرٌ مَأْمُولٌ وَ إِنَّ تُرْجَ فَخِيرٌ (فَأَكْرَمُ) مَرْجُوٌّ. اللَّهُمَّ وَ قَدْ بَسَطْتُ لِي فِيمَا لَا أَمْدَحُ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا أَتْنِي بِهِ عَلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَ لَا أَوْجِّهُهُ إِلَى مَعَادِنِ الْخِيَّةِ وَ مَوَاضِعِ الرِّيَّةِ وَ عَدَلْتَ بِلِسَانِي عَنْ مَدَائِحِ الْآذِمِيِّينَ وَ الثَّنَاءِ عَلَى الْمَرْبُوبِينَ الْمَخْلُوقِينَ... اللَّهُمَّ وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ أَفْرَدَكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي هُوَ لَكَ وَ لَمْ يَرِ مُسْتَحَقًّا لِهَذِهِ الْمَحَامِدِ وَ الْمَادِحِ غَيْرَكَ. (نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص: ۱۳۵)	عمل برای غیر خداوند روز قیامت قبول نمی‌شود.		
الإمام الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام: إِيَّاكَ وَ الرِّيَاءَ؛ فَإِنَّهُ مَن عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَن عَمِلَ لَهُ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۳)	کسی که ظاهر زیبا و باطن زشت دارد به آخرت باور ندارد.	عدم باور جایگاه خود	
الإمام الباقر عليه السلام: يَا ذَوِي الْهَيْئَةِ الْمُعْجِبَةِ وَ الْهِيمِ الْمُعْطَنَةِ، مَا لِي أَرَى أَجْسَامَكُمْ عَامِرَةً وَ قُلُوبَكُمْ دَامِرَةً؟! أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا أَنْتُمْ مُلَاقُوهُ وَ مَا أَنْتُمْ إِلَيْهِ صَاحِرُونَ لَقُلْتُمْ: يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَ لَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبَّنَا وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (الأنعام: ۲۷؛ تحف العقول، ص ۲۹۲)	عمل برای غیر خداوند روز قیامت قبول نمی‌شود.	پس از زندگی دنیا	
عنه صلى الله عليه و آله: يابن مسعود، إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا مِنَ الْبِرِّ وَ أَنْتَ تُرِيدُ بِذَلِكَ غَيْرَ اللَّهِ فَلَا تُرْجُ بِذَلِكَ مِنْهُ نَوَابًا فَإِنَّهُ يَقُولُ: فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا. (الكهف: ۱۰۵؛ مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۵۳)	عملی که برای خداوند انجام نشده است قبول نمی‌شود.		
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْمَلَكَ لَيَصْعَدُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مُبْتَهَجًا بِهِ، فَإِذَا صَعِدَ بِحَسَنَاتِهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: اجْعَلُوهَا فِي سَجِّينٍ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَّا بِأَيَّ أَرَادَ بِهَا. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۵)			

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْمُرَائِيَّ يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا فَاجِرُ! يَا غَادِرُ! يَا مُرَائِي! ضَلَّ عَمَلُكَ وَ بَطَلَ أَجْرُكَ، اذْهَبْ فَخُذْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ. (منية المريد، ص ۳۱۸)	عمل برای غیر خداوند روز قیامت قبول نمی‌شود.		
عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ عَمِلَ لِي وَ لِعَبْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۲۸۹)	عمل برای غیر خداوند روز قیامت قبول نمی‌شود.		
الإمامُ عليُّ عليه السلام: أَيْ مِنَ النَّاسِ- مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا، قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ. نهج البلاغة (للصبيحی صالح)، ص: ۷۵	افرادى كه خود را باوقار نشان می‌دهند و امین مردم وانمود می‌کنند، با کار آخرت دنیا را می‌طلبند.		
الإمامُ الباقرُ عليه السلام: يَا ذَوِي الْهَيْئَةِ الْمُعْجَبَةِ وَ الْهِيمِ الْمُعْطَنَةِ، مَا لِي أَرَى أَجْسَامَكُمْ عَامِرَةً وَ قُلُوبَكُمْ دَامِرَةً؟! أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا أَنْتُمْ مُلَاقُوهُ وَ مَا أَنْتُمْ إِلَيْهِ صَائِرُونَ لَقُلْتُمْ: يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَ لَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (الأنعام: ۲۷؛ تحف العقول، ص ۲۹۲)	کسی که ظاهر زیبا و باطن زشت دارد به آخرت باور ندارد.	دنیا را همه زندگی	
الإمامُ الصادقُ عليه السلام- فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ: لَا يَرْغَبُ فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَ لَا يَجْزَعُ مِنَ الْمَهَا لِلنَّاسِ هَمٌّ قَدْ أَقْبَلُوا عَلَيْهِ وَ لَهُ هَمٌّ قَدْ شَغَلَهُ (الخصال، ج ۲، ص ۵۷۱)	مؤمن را آخرت مشغول کرده است. عزت و خواری نزد مردم برایش اهمیتی ندارد. محبتی از آن‌ها ندارد.	دانستن	
عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ رِفْعَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَيَمُقَتْ فِي الدُّنْيَا الرِّفْعَةَ. (غررالحکم، ص ۸۸۶۸)	کسی که خواستار رفعت در هر دو دنیاست باید رفعت در دنیا را نخواهد.		
الإمامُ عليُّ عليه السلام- فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ: يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَ لَا يُحِبُّ السُّمْعَةَ. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۷۳)	مؤمن بزرگی و رفعت را دوست ندارد.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
عنه عليه السلام: ما مِنْ عَبْدٍ يُرِيدُ أَنْ يَرْتَفَعَ فِي الدُّنْيَا دَرَجَةً، فَارْتَفَعَ فِي الدُّنْيَا دَرَجَةً، إِلَّا وَضَعَهُ اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَةً أَكْبَرَ مِنْهَا وَأَطْوَلَ. (کنز العمال، ص ۶۱۴۴)	خواهان بالا رفتن در دنیا مساوی با پایین رفتن در آخرت است.		
رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَجْتَلِبُونَ الدُّنْيَا بِالْدينِ، يَلْبَسُونَ لِلنَّاسِ جُلُودَ الضَّأْنِ مِنْ لَيْنِ أَلْسِنَتِهِمْ، كَلَامُهُمْ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الذَّنَابِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَبَى يَغْتَرُونَ؟! (أعلام الدين، ص ۲۹۵)	کسانی که ظاهرشان زیبا و دل‌هایشان زشت است دین را وسیله کسب دنیا می‌کنند.		
الإمامُ الباقرُ عليه السلام: لَمَّا سَأَلَهُ زُرَّارَةُ عَنْ الرَّجُلِ يَعْمَلُ الشَّيْءَ مِنَ الْخَيْرِ فَيَرَاهُ إِنْسَانٌ فَيَسْرُهُ ذَلِكَ: لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ، إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۷ / ۱۸)	همه انسان‌ها دوست دارند کار نیکشان نمایان شود.		
عن سُفْيَانَ بْنِ خَالِدٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُفْيَانُ إِنَّاكَ وَ الرِّئَاسَةُ، فَمَا طَلَبَهَا أَحَدٌ إِلَّا هَلَكَ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ هَلَكْنَا؛ إِذْ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يُذَكَّرَ وَ يُقَصَّدَ وَ يُؤْخَذَ عَنْهُ، فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِلَيْهِ، إِنَّمَا ذَلِكَ أَنْ تَتَّصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتَصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ وَتَدْعُو النَّاسَ إِلَى قَوْلِهِ. (معاني الأخبار، ج ۱، ص ۱۸۰)	دوست داشتن برده شدن اسم و محبوبیت به دلیل روی آوردن مردم به شخص و استفاده کردن از او، مذموم نیست.	میل ذاتی به جلب توجه	
فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. (الكهف: ۱۱۰)	هر که به دیدار پروردگارش امید بسته است، باید کاری شایسته کند و هیچ کس را شریک پروردگارش قرار ندهد.	به دیدار پروردگار امید نداشتن	
عنه عليه السلام: أَوَّلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (غررالحکم، ص ۳۲۹۱)	ریشه ریا امید به مردم داشتن است.		سود و زیان خود را در دست مردم دیدن
عنه عليه السلام: أَصْلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (غررالحکم، ص ۳۰۸۸)	ریشه ریا امید به مردم داشتن است.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
عنه عليه السلام: ما عَلَى عَبْدٍ إِذَا عَرَفَهُ اللَّهُ أَلَّا يَعْرِفَهُ النَّاسُ، إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَ مَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ إِنَّ كُلَّ رِبَاءٍ شَرِكٌ. (الاصول الستة عشر، ص ۷۸)	عدم باور اینکه سود و زیان دست خداوند از عوامل ریا است.		
الإمام الباقر عليه السلام- لجابر بن يزيد الجعفی: إِنْ مُدِحْتَ فَلَا تَفْرَحْ وَ إِنْ ذُمِمْتَ فَلَا تَجْزَعْ وَ فَكَّرْ فِيمَا قِيلَ فَبِكَ...؛ وَ اعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّى لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرٍ وَ قَالُوا: إِنَّكَ رَجُلٌ سَوَاءٌ لَمْ يَحْزَنْكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا: إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسُرَّكَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ اِعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ؛ فَإِنْ كُنْتَ سَالِكًا سَبِيلَهُ، زَاهِدًا فِي تَرْهِيدِهِ، رَاغِبًا فِي تَرْغِيدِهِ، خَائِفًا مِنْ تَخْوِيفِهِ، فَائِثًا وَ أَبْشِرْ، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكَ مَا قِيلَ فَبِكَ وَ إِنْ كُنْتَ مُبَائِتًا لِلْقُرْآنِ فَمَاذَا الَّذِي يُغْرُكَ مِنْ نَفْسِكَ؟! (تحف العقول، ص ۲۸۴)	اگر تمام افراد ستایش یا نکوهش کردند نباید انسان خوشحال یا ناراحت شود. مردم سود و زیانی به ما نمی‌رسانند.		
فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَصِيرُ الْعَبْدُ عَبْدًا خَالِصًا لِلَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَصِيرَ الْمَدْحُ وَ الذَّمُّ عِنْدَهُ سَوَاءً؛ لِأَنَّ الْمَمْدُوحَ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَصِيرُ مَذْمُومًا بِذَمِّهِمْ، وَكَذَلِكَ الْمَذْمُومُ؛ وَ لَا تَفْرَحُ بِمَدْحِ أَحَدٍ؛ فَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَا يُغْنِيكَ عَنِ الْمَحْكُومِ لَكَ وَ الْمَقْدُورِ عَلَيْكَ وَ لَا تَحْزَنُ أَيْضًا بِذَمِّ أَحَدٍ؛ فَإِنَّهُ لَا يَنْقُصُ عَنْكَ ذَرَّةً. (مصباح الشريعة، ص ۲۶۴)	بنده خالص کسی که ستایش و نکوهش مردم برایش یکسان است. چون سود و زیانی به ما نمی‌رسانند.		
عنه عليه السلام: إِنْ حَبَّ الشَّرْفُ وَ الذِّكْرُ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الْخَائِفِ الرَّاهِبِ. (الكافي ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۹	حب مقام و شهرت در دل خدا ترس نیست.		
الإمام الرضا عليه السلام- بعد ما ذَكَرَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا وَ قَالَ: إِنَّهُ يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ: مَا ذُبَّانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَضْرَافِ دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرِّئَاسَةِ. (الكافي ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۷	حب ریاست و جاه خسارت غیرقابل جبران به دین مؤمن مسلمان می‌زند.	شهرت طلبی به هدف غیر الهی	نشانه‌ها

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
الإمام الباقر عليه السلام: ما ذُتَبانِ ضارِيانِ فِي غَنَمٍ لَيْسَ لَهَا رَاعٍ، هَذَا فِي أَوَّلِهَا وَ هَذَا فِي آخِرِهَا، بِأَسْرَعٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الشَّرَفِ فِي دِينِ الْمُؤْمِنِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۱۵)	مال دوستی و جاه طلبی به دین مؤمن خسارت زیادی می‌زند.		
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِسِتِّ خِصَالٍ: حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُّ الطَّعَامِ وَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ النَّوْمِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ. (الخصال، ج ۲۷، ص ۳۳۰)	حب ریاست از گناهان نخستین است.		
الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: آفَةُ الْعُلَمَاءِ حُبُّ الرِّئَاسَةِ. (غررالحکم، ص ۳۹۳۰)	آفت اهل علم، حب ریاست است.		
الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ وَ هَؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءَ الَّذِينَ يَتَرَأْسُونَ، فَوَاللَّهِ مَا خَفَقَتِ النَّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَ وَ أَهْلَكَ. (الكافي (ط - الإسلامية) ج ۲، ص ۲۹۷)	سران ریاست پیشه بودن موجب هلاکت است.		
الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ما ذُتَبانِ ضارِيانِ فِي غَنَمٍ قَدْ فَارَقَتْهَا رِعَاؤُهَا، أَحَدُهُمَا فِي أَوَّلِهَا وَ الْآخَرُ فِي آخِرِهَا، بِأَفْسَدٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الشَّرَفِ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۳۱۵)	مال دوستی و جاه طلبی به دین مؤمن خسارت زیادی می‌زند.		
عنه صلى الله عليه و آله: ما ذُتَبانِ ضارِيانِ ارْسِلَا فِي زُرِّيَّةِ غَنَمٍ، بِأَكْثَرِ فُسَادٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الْجَاهِ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ. (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۵۵)	مال دوستی و جاه طلبی به دین مؤمن خسارت زیادی می‌زند.		
عن سُفْيَانَ بْنِ خَالِدٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سُفْيَانُ إِيَّاكَ وَ الرِّئَاسَةَ، فَمَا طَلَبُهَا أَحَدٌ إِلَّا هَلَكَ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ هَلَكْنَا؛ إِذْ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا إِلَّا وَ هُوَ يُحِبُّ أَنْ يُذَكَّرَ وَ يُقْصَدَ وَ يُؤْخَذَ عَنْهُ، فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِلَيْهِ، إِنَّمَا ذَلِكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتُصَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ وَ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى قَوْلِهِ. (معاني الأخبار، ج ۱، ص ۱۸۰)	دوست داشتن برده شدن اسم و محبوبیت به خاطر روی آوردن مردم به شخص و استفاده کردن از او، مذموم نیست.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
الإمام الصادق عليه السلام- لَمَّا سَأَلَهُ غُبَيْدٌ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ فِي الصَّلَاةِ فَيُجَوِّدُ صَلَاتَهُ وَ يُحَسِّنُهَا رَجَاءً أَنْ يَسْتَجِرَّ بَعْضَ مَنْ يَرَاهُ إِلَى هَوَاهُ؟ لَيْسَ هُوَ مِنَ الرِّيَاءِ. ((بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۱)	نشان دادن به مردم برای کشاندن آن‌ها به طاعت خدا ریا نیست.		
عنه صلى الله عليه و آله: السِّرُّ أَفْضَلُ مِنَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْعَلَانِيَةُ لِمَنْ أَرَادَ الْاِقْتِدَاءَ. (كنز العمال، ص ۵۲۷۳)	عبادت آشکار برای فردی که بخواهد الگو شود.		
الإمام الباقر عليه السلام- لَمَّا سَأَلَهُ زُرَّارَةُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْمَلُ الشَّيْءَ مِنَ الْخَيْرِ فَيَرَاهُ إِنْسَانٌ فَيَسْرِهُ ذَلِكَ لَا بَأْسَ مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ هُوَ يُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ، إِذَا لَمْ يَكُنْ صَنَعَ ذَلِكَ لِذَلِكَ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۷)	خوشحال شدن و خوش آمدن از ستایش مردم اگر کار برای خدا باشد اشکال ندارد.		
عدّة الدّاعی: جاء رجلٌ إلى النّبيّ صلى الله عليه و آله فقال: إِنِّي أَتَصَدَّقُ وَ أَصِلُ الرَّجِمَ وَ لَا أَصْنَعُ ذَلِكَ إِلَّا لِلَّهِ فَيَذْكُرُ مِنِّي وَ أَحْمَدُ عَلَيْهِ فَيَسْرِئُنِي ذَلِكَ وَ اعْجَبَ بِهِ. فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ لَمْ يَقُلْ شَيْئاً، فَنَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى:... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. (الكهف: ۱۱۰؛ عدّة الدّاعی، ص ۲۰۹)	خوشحال شدن و خوش آمدن از ستایش مردم اگر کار برای خدا باشد اشکال ندارد.		
رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: أَمَّا عَلَامَةُ الْمُرَائِي فَأَرْبَعَةٌ:... وَ يَحْرِصُ فِي كُلِّ أَمْرٍ عَلَى الْمَحْمَدَةِ وَ يُحَسِّنُ سَمَتَهُ بِجَهْدِهِ. (تحف العقول، ص ۲۲)	از نشانه‌های ریاکار این است که در هر کاری شیفته مدح و ستایش است.		
عنه عليه السلام: ثلاثُ علاماتٍ لِلْمُرَائِي...؛ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۹۵)	از نشانه‌های ریاکار این است که در هر کاری شیفته ستایش شدن است.	شیفته مدح و ستایش بودن	
الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لِابْنِهِ: لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ:...؛ وَ يَتَعَرَّضُ فِي كُلِّ أَمْرٍ لِلْمَحْمَدَةِ. (الخصال، ج ۱، ص ۱۲۱)	از نشانه‌های ریاکار این است که انجام هر کار او به سبب ستایش شدن است.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَأَتَىٰ بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِيقَالَ جَرِيءٌ! فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّى اتَّىٰ فِي النَّارِ. (منية المريد، ۱۳۴)	عمل ریاکار برای مدح مردم است حتی ممکن است به قیمت ازدست دادن جان باشد.		
الإمام الصادق عليه السلام: الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۶)	عمل ریایی در جایی است که فرد همراه خداوند، دوست داشته باشد کسی او را بستانی.		
رسولُ اللهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۴)	ریا کردن در جایی است که فرد محبت ستایش در برابر کار را داشته باشد.		
الإمام الصادق عليه السلام: يُجَاءُ بَعْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَدْ صَلَّى فَيَقُولُ: يَا رَبِّ صَلَّيْتُ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ فَيُقَالُ لَهُ: بَلْ صَلَّيْتُ لِيقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ (فلان)، اذهبوا به إلى النار. (الزهد، ص ۶۳)	نماز ریاکار برای مدح مردم است.		
الإمام علي عليه السلام: لِلْمُرَائِي أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: ...؛ وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا اتَىٰ عَلَيْهِ وَ يَنْقُصُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يُثْنِ عَلَيْهِ. (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۸۷)	از نشانه‌های ریاکار این است که محور اصلی تلاش و تنبلی‌اش ستایش و مدح دیگران است.		
رسولُ اللهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ جَمَعَ الْقُرْآنَ وَ رَجُلٌ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ رَجُلٌ كَثُرَ الْمَالُ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْقَارِي: أَلَمْ أَعْلَمْكَ مَا أَنْزَلْتُ عَلَى رَسُولِي؟ فَيَقُولُ: بَلَى يَا رَبِّ، فَيَقُولُ: مَا عَمِلْتَ فِيمَا عَمِلْتَ؟ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ قُمْتُ بِهِ فِي أَنْاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، فَيَقُولُ اللَّهُ: كَذَبْتَ وَ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: كَذَبْتَ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ يُقَالَ: فَلَانٌ قَارِئٌ، فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵)	هدف فرد ریاکار این است که مردم او را مدح کنند.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام: العَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۶)	عمل ریایی در جایی است که فرد دوست دار ستایش انسان‌ها برای کار باشد.		
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً و ما بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۴)	ریا کردن در جایی است که فرد محبت تمجید و ستایش در برابر کار را داشته باشد.		
الدِّرَ المنثور عن أبي ثَمَامَةَ: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَنْ الْمُخْلِصُ لِلَّهِ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْمَلُ لِلَّهِ لَا يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَهُ النَّاسُ عَلَيْهِ. (الدِّرَ المنثور، ج ۲، ص ۷۲۴)	ریا کردن در جایی است که فرد دوست داشته باشد مردم او را به سبب آن کار بستانند.		
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: يَا أَبَا ذَرٍّ، اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُرِ النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ فَيُكْرِمُوكَ وَ قَلْبُكَ فَاجِرٌ. (مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۷۰)	ریا به معنی نمایش فعل زیبا به سبب علاقه به ستایش مردم است.		
الرياء اظهار جميل الفعل رغبة في حمد الناس لا في ثواب الله تعالى. (الفروق في اللغة، ص ۲۲۳)			
عنه عليه السلام: المرأتى ظاهره جميل و باطنه عليل. (غررالحكم، ۱۵۷۷)			
رِئَاءُ النَّاسِ، أَيْ: مُرَاءَاةٌ وَ تَشْيِيعَا. (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۷۵)	ریا به معنی نمایش کار را برای نمایاندن به دیگران و دنباله‌روی مردم است.	نمایش فعل نیکو برای دیگران	
عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَحْسُنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي وَ تَقْبِحَ فِيهَا بَاطِنِي لَكَ سَرِيرَتِي، مُحَافِظًا عَلَى رِئَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأَبْدِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَ أَفْضِي إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي، تَقَرُّبًا إِلَى عِبَادِكَ وَ تَبَاعُدًا مِنْ مَرْضَاتِكَ. (نهج البلاغة، ص ۵۲۴)	نهی از داشتن ظاهر نیکو و باطن زشت و اینکه فرد خود را برای مردم بیاراید.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
الإمام الصادق عليه السلام: يُجاءُ بعدَ يومِ القيامةِ قد صَلَّى فيقول: يا ربِّ صَلِّتْ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَيُقَالُ لَهُ: بَلْ صَلَّيْتَ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ (فلان)، اذهبوا به إلى النار. (الزهد، ص ۶۳) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَأَتَىٰ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَهُ فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِيقَالَ جَرِيءٌ! فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّى الْقَىٰ فِي النَّارِ. (منية المريد، ص ۱۳۴) رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُدْعَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ جَمَعَ الْقُرْآنَ وَ رَجُلٌ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ رَجُلٌ كَثِيرُ الْمَالِ، فيقولُ اللَّهُ عزَّ وَّ جَلَّ لِلْقَارِي: أَلَمْ أَعْلَمْكَ مَا أَنْزَلْتُ عَلَىٰ رَسُولِي؟ فيقول: بلى يا ربِّ، فيقول: مَا عَمِلْتَ فِيمَا عِلِمْتُ؟ فيقول: يا ربِّ قُمْتُ بِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ، فيقولُ اللَّهُ: كَذَبْتَ وَ تقولُ الملائكةُ: كَذَبْتَ وَ يقولُ اللَّهُ تعالى: إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ يُقَالَ: فُلَانٌ قَارِئٌ، فَقَدْ قِيلَ ذَلِكَ. (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵) عنه صلى الله عليه وآله: وَ تَصْعَدُ الْحَفَظَةُ بِعَمَلِ الْعَبْدِ مَبْتَهِجًا بِهِ... فَيَطْوُونَ الْحُجُبَ كُلَّهَا حَتَّى يَقُومُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ فَيَشْهَدُوا لَهُ بِعَمَلِ صَالِحٍ وَ دُعَاءٍ، فيقولُ اللَّهُ تعالى: أَنْتُمْ حَفَظَةُ عَمَلِ عَبْدِي وَ أَنَا رَقِيبٌ عَلَىٰ مَا فِي نَفْسِهِ، إِنَّهُ لَمْ يُرِدْنِي بِهَذَا الْعَمَلِ عَلَيْهِ لَعَنَتِي. (فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۱۲۳) بحار الأنوار، رَوَى: أَنَّهُ يَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِرِجَالٍ إِلَى النَّارِ فيقولُ لِمَالِكٍ: قُلْ لِلنَّارِ: لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ وَ لَا تُحْرِقِي	نماز ریاکار برای مدح مردم است. عمل ریاکار برای مدح مردم است حتی ممکن است به قیمت ازدست دادن جان و به ظاهر شهادت باشد. ریاکار برای ستایش مردم رفتارهای نیک انجام می‌دهد. لعن خداوند بر کسی که عمل نیکی را برای غیر او انجام داده است. ریاکار برای غیر خداوند رفتار می‌کند.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
لَهُمْ أُبْدِيًا، فَقَدْ كَانُوا يَرْفَعُونَهَا إِلَى الدَّعَاءِ...، فيقول مالك: يا أشقياء، فما كان حالكم؟ فيقولون: كنا نعمل لغير الله، فقل لنا: خذوا ثوابكم ممن عملتم له. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲۳)	عمل برای غیر خداوند روز قیامت قبول نمی‌شود.		
عنه صلى الله عليه و آله: يقول الله سبحانه: إني أغنى الشركاء فمن عمل عملاً ثم أشرك فيه غيري فأنا منه بريء و هو للذي أشرك به دوني. (عدة الداعي، ص ۲۰۳)	نجات در انجام ندادن طاعت خدا به‌خاطر مردم است.		
رسول الله صلى الله عليه و آله- حين سأل رجل: يا رسول الله صلى الله عليه و آله، فيم النجاة؟ أن لا يعمل العبد بطاعة الله يريد بها الناس. (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۸۶)	نهی از اینکه فرد خود را برای مردم بیاراید.		
عنه عليه السلام: إياك أن تتزين للناس و تبارز الله بالمعاصي. (الأمالی للصدوق، ص ۲۷۸)	خداوند نفرت دارد از شهرت لباس و شهرت عبادت.		
الإمام الرضا عليه السلام: من شهّر نفسه بالعبادة فأنهموه على دينه؛ فإن الله عز وجل يفيض شهرة العباد و شهرة اللباس. (الأمالی للطوسي، ص ۶۴۹)	انگشت‌نما شدن در زیارت هم مطلوب نیست.		
عنه عليه السلام- لما سُئل عن زيارة قبر الحسين عليه السلام: في السنة مرة؛ إني أكره الشهرة. (كامل الزيارات، ص ۲۹۴)	به دین کسی که با عبادت شهرت یافته است بدگمان باشید.	خودنمایی با جلوه‌های ظاهری	
عنه عليه السلام: الاشتهار بالعبادة ريبة. (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴)	انگشت نما شدن حتی به خوشنامی شر است مگر خداوند به آن فرد رحم کند.		
عن عمران بن حصين عن رسول الله صلى الله عليه و آله: كفى بالمرء من الإثم أن يُشَارَ إليه بالأصابع. قالوا: يا رسول الله و إن كان خيراً؟ قال: و إن كان خيراً فهو شرُّ له، إلا من رحمه الله و إن كان شرّاً فهو شرّاً. (كنز العمال، ص ۴۹)	لباس شهرت دشمن خداست.		
عنه عليه السلام: إن الله تبارك و تعالى يفيض شهرة اللباس. (الكافي ط - الإسلامية، ج ۶، ص ۴۴۵)			

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
عن الحسین بن المختار: دَخَلَ عَبَّادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الشُّهْرَةِ غَلاظًا، فَقَالَ: يَا عَبَّادُ، مَا هَذِهِ الثِّيَابُ؟! فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تَعِيبُ هَذَا عَلَيَّ؟! قَالَ: نَعَمْ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ لَبَسَ ثِيَابَ شُهْرَةٍ فِي الدُّنْيَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثِيَابَ الدُّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (رجال الكشي، ج ۲، ص ۶۹۰)	پوشیدن لباس شهرت باعث پوشیدن لباس خواری در قیامت می‌شود.		
الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ خَزِيئًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ، أَوْ يَرْكَبَ دَابَّةً مَشْهُورَةً. (كافي (ط - دار الحديث)، ج ۱۳، ص ۲۴)	نهی از خودنمایی با پوشیدن جامه‌ای انگشت‌نما یا مرکبی انگشت‌نما می‌شود.		
الإمامُ عليُّ عليه السلام: تَبَذَّلْ وَ لَا تُشَهِّرْ وَ أَخْفِ شَخْصَكَ لِئَلَّا تُذَكَّرَ وَ تُعْلَمَ. (الأمالی للمفید، ص ۲۰۹)	ساده پوشیدن و خود را شهره نکردن پسندیده است.		
الإمام الحسین عليه السلام: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ، كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنْ النَّارِ. (كافي (ط - دار الحديث)، ج ۶، ص ۴۴۵)	پوشیدن لباس شهرت مورد نهی اسلام است.		
عنه عليه السلام: تَبَذَّلْ لَا تُشَهِّرْ وَ لَا تَرْفَعْ شَخْصَكَ لِتُذَكَّرَ بِعِلْمٍ. (شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۸۱)	امر به ساده پوشیدن و شهره نکردن خود.		
رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: بِحَسَبِ الْمَرْءِ مِنَ الشَّرِّ - إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ مِنَ السُّوءِ - أَنْ يُشِيرَ النَّاسُ إِلَيْهِ بِالأَصَابِعِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ. (شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۸۱)	انگشت‌نمای خلق شدن در دین و دنیا یک شر است.		
عنه عليه السلام- مِنْ كِتَابِ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ: وَ لَوْلَا مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِنْ تَرْكِيبَةِ الْمَرْءِ نَفْسَهُ، لَذَكَرَ ذَاكِرٌ فُضَائِلَ جَمَّةٍ تَعْرِفُهَا قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا تَمُجُّهَا آذَانُ السَّامِعِينَ. (نهج البلاغة، ص ۵۲۴)	خداوند انسان‌ها را از خودستایی نهی کرده است.		
الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام- لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَلَا تُرْكُوا...» قَوْلُ الْإِنْسَانِ: صَلَّيْتُ الْبَارِحَةَ وَ صُمْتُ أَمْسٍ وَ نَحْوَ هَذَا. إِنَّ قَوْمًا كَانُوا	نهی از اینکه فرد کارهای خوبی را که انجام داده است بیان کند.	خودستایی گفتاری	

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازها
يُصْبِحُونَ قِيُولُونَ: صَلَّيْنَا الْبَارِحَةَ وَصُمْنَا أَمْسَ، فَقَالَ عَلَىُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَكُنِّي أَنَامُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ، وَلَوْ أَجِدُ بَيْنَهُمَا شَيْئاً لَنَمْتُهُ! (معانی الأخبار، ص ۲۴۳)	عنه عليه السلام: مَنْ مَدَحَ نَفْسَهُ ذَبَحَهَا.	کسی که خود را ستایش می‌کند خود را سر بریده است.	
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَالَ: إِنِّي خَيْرُ النَّاسِ فَهُوَ مِنْ شَرِّ النَّاسِ وَ مَنْ قَالَ: إِنِّي فِي الْجَنَّةِ فَهُوَ فِي النَّارِ. (النوادر للراوندي، ص ۱۰۷)	الإمامُ عَلَىُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقْبَحُ الصَّدَقِ تَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ. (غررالحکم، ص ۶۶۱)	بدترین مردم کسی که خود را از همه بهتر و بهشتی بداند.	
عن بعض الأصحاب: قَالَ الإمامُ الباقرُ عليه السلام: الإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، قَالَ: وَ مَا الإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ؟ قَالَ: يَصِلُ الرَّجُلُ بِصَلَةٍ يُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَكُتِبَ لَهُ سِرّاً، ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتَمْحَى فَتُكْتَبُ لَهُ غَلَابَةً، ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتَمْحَى وَ تُكْتَبُ لَهُ رِيَاءً. (كافي ط - دار الحديث)، ج ۲، ص ۲۹۶)	الإمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَمَلَ حَسَنَةً سِرّاً كُتِبَتْ لَهُ سِرّاً، فَإِذَا أَقْرَبَهَا مُحِيتْ وَ كُتِبَتْ جَهْرًا، فَإِذَا أَقْرَبَهَا ثَانِيًا مُحِيتْ وَ كُتِبَتْ رِيَاءً. (عذّة‌الداعی، ص ۲۲۱)	ذکر عمل بعد از عمل ثواب را کم و ممکن است ریایی‌اش کند.	
عنه عليه السلام: المُرَائِي ظَاهِرُهُ جَمِيلٌ وَ بَاطِنُهُ عَلِيلٌ. (غررالحکم، ۱۵۷۷)	المُرَائِي كَأَنَّهُ يُرَى النَّاسُ أَنَّهُ يَفْعَلُ وَ لَا يَفْعَلُ بِالنِّيَّةِ. (لسان‌العرب، ج ۱۴؛ ص ۳۰۲)	مرائی شخصی است که کاری را انجام می‌دهد و نیت آن را ندارد.	ناهماهنگی ظاهر و باطن
رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: يَا أَبَا ذَرٍّ، اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُرِ النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ فَيَكْرَهُوكَ وَ قَلْبُكَ فَاجِرٌ. (مكارم الأخلاق، ۲ / ۳۷۰ / ۲۶۶۱)			

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
ریاء: أَرَيْتَهُ أَتَى عَلَى خِلَافٍ مَا أَنَا عَلَيْهِ؛ وَ فِيهِ: الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ؛ يَعْنِي الْمُنَافِقِينَ أَى إِذَا صَلَّى الْمُؤْمِنُونَ صَلَّوْا مَعَهُمْ يُرَاؤُونَهُمْ أَنَّهُمْ عَلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ. (لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۲۹۶)	ریا به معنی تظاهر کردن به خلاف آن چیزی که فرد درواقع هست.		
رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُرِ النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ فَيَكْرَهُوكَ وَ قَلْبُكَ فَاجِرٌ. (مکارم‌الأخلاق، ج ۲، ص ۳۷۰)	نهی از خود را خداترس جلوه دادن برای احترام مردم درحالی که دل تبهکار است.		
عنه صلى الله عليه و آله: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، إِيَّاكَ أَنْ تُظْهَرَ مِنْ نَفْسِكَ الْخُشُوعَ وَ التَّوَاضُّعَ لِلْأَدَمِيِّينَ وَ أَنْتَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَبِّكَ مُصِرٌّ عَلَى الْمَعَاصِي وَ الذُّنُوبِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ. (غافر: ۱۹؛ مکارم‌الأخلاق، ج ۲، ص ۳۶۰)	نهی از خود را خدا ترس جلوه دادن در حالی که فرد نافرمان و گناهکار است.		
الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَقْبَحَ بِالْإِنْسَانِ بَاطِنًا عَلِيلًا وَ ظَاهِرًا جَمِيلًا! (غررالحکم، ص ۶۹۶)	نهی از اینکه فرد باطن بیمار و ظاهر زیبا داشته باشد.		
عنه عليه السلام: الْمُرَائِي ظَاهِرُهُ جَمِيلٌ وَ بَاطِنُهُ عَلِيلٌ. (غررالحکم، ص ۸۴)	ریاکار ظاهرش زیبا و باطنش بیمار است.		
الإمامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ. (الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ۵۸۰)	نهی از اینکه فرد کفه ظاهرش سنگین‌تر از باطنش باشد.		
عنه صلى الله عليه و آله: أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ يَرَى النَّاسُ أَنَّ فِيهِ خَيْرًا وَ لَا خَيْرَ فِيهِ. (کنز‌العمال، ص ۷۲)	سخت‌ترین عذاب در روز قیامت برای فرد تفاوت باطن و ظاهر نزد مردم است.		
عنه صلى الله عليه و آله: أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَنْ كَانَ تَوْبَاهُ خَيْرًا مِنْ عَمَلِهِ، أَنْ تَكُونَ ثِيَابُهُ ثِيَابَ الْأَنْبِيَاءِ وَعَمَلُهُ عَمَلُ الْجَبَّارِينَ. (کنز‌العمال، ص ۵۳)	نهی از اینکه فرد ظاهری نیکو و باطنی زشت داشته باشد.		

گزاره‌ها	محتوای استنباط‌شده	مؤلفه‌ها	سازه‌ها
عنه عليه السلام: ثلاث علامات للرئائي: يَنْشَطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ... (الكافي، ج ۲، ص ۲۹۵)	از نشانه‌های ریاکار این است که در حضور دیگران کوشا می‌شود.		
الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لَابْنِهِ: لِلرَّائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ... وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ النَّاسُ عِنْدَهُ... (الخصال، ص ۱۲۱)	از نشانه‌های ریاکار این است که در حضور دیگران کوشاست.	نشاط و انگیختگی در حضور دیگران	
سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَمَّا عِلَامَةُ الرَّائِي فَأَرْبَعَةٌ: يَحْرِصُ فِي الْعَمَلِ لِلَّهِ إِذَا كَانَ عِنْدَهُ أَحَدٌ... (تحف العقول، ص ۲۲)	از نشانه‌های ریاکار این است که در حضور دیگران حرص بر طاعت الهی دارد.		
الإمام علي عليه السلام: لِلرَّائِي أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ... وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ... (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۸۷)	از نشانه‌های ریاکار این است که در حضور دیگران کوشاست.		
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَمَّا عِلَامَةُ الرَّائِي فَأَرْبَعَةٌ...؛ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ... (تحف العقول، ص ۲۲)	از نشانه‌های ریاکار این است که در تنهایی تنبلی می‌ورزد.		
عنه عليه السلام: ثلاث علامات للرئائي:... وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ... (الكافي، ج ۲، ص ۲۹۵)	از نشانه‌های ریاکار این است که در تنهایی تنبلی می‌ورزد.	کسالت و تنبلی در تنهایی	
الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لَابْنِهِ: لِلرَّائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ... (الخصال، ص ۱۲۱)	از نشانه‌های ریاکار این است که در تنهایی تنبلی می‌ورزد.		
الإمام علي عليه السلام: لِلرَّائِي أَرْبَعُ عِلَامَاتٍ: يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ... (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸۷)	از نشانه‌های ریاکار این است که در تنهایی تنبلی می‌ورزد.		
وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاوْنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (كافي، ج ۴، ص: ۱۶۰)	منافقان با حالت بی‌میلی و کسالت به نماز می‌روند.		

در جدول ۲، خلاصه‌ای از اصلی‌ترین مفاهیم سازه «خودنمایشی نابهنجار» ذکر شده است.

جدول ۲ خلاصه نتایج مفهومی اولیه سازه

شماره گزاره‌ها	مؤلفه‌ها	سازه‌ها	سازه اصلی
۸-۱	شریک قرار دادن برای خداوند در پرستش		
۱۰-۹	عدم باور به کبریا و عظمت خداوند		
۱۶-۱۱	عدم باور جایگاه خود پس از زندگی دنیا		
۲۳-۱۷	دنیا را همه زندگی دانستن	شرایط علی	
۲۵-۲۴	میل ذاتی به جلب توجه		
۲۶	به دیدار پروردگار امید نداشتن		
۳۱-۲۷	سود و زیان خود را در دست مردم دیدن		
۴۴-۳۲	شهرت طلبی به هدف غیرالهی	خودنمایشی نابهنجار	
۵۶-۴۵	شیفته مدح و ستایش بودن		
۶۷-۵۷	نمایش فعل نیکو برای دیگران		
۷۸-۶۸	خودنمایی با جلوه‌های ظاهری	نشانه‌ها	
۸۵-۷۹	خودستایی گفتاری		
۹۴-۸۶	ناهماهنگی ظاهر و باطن		
۹۸-۹۵	نشاط و انگیزش در حضور دیگران		
۱۰۳-۹۹	کسالت و تنبلی در تنهایی		

در بخش اعتبارسنجی مؤلفه‌های پژوهش از تعداد یازده متخصص طبق فرم‌هایی در دو سؤال مجزا خواسته شد تا نظرات خود را درباره یافته‌ها ابراز کنند. در سؤال اول تحت یک لیکرت چهار درجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آن‌ها خواسته شد تا میزان مطابقت هر مؤلفه با مستندات را بیان کنند. در سؤال دوم تحت یک لیکرت چهار درجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آن‌ها خواسته شد تا میزان تناسب یا عدم تناسب هر مؤلفه با سازه‌ها را ابراز کنند. در این بخش، تنها یک شرط علی نمره لازم را در نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا کسب نکرد و باقی نشانه‌ها و شرایط علی حداقل نمره قابل قبول را کسب کردند. نتایج مربوط به نمرات این بخش، در جدول ۳ آمده است.

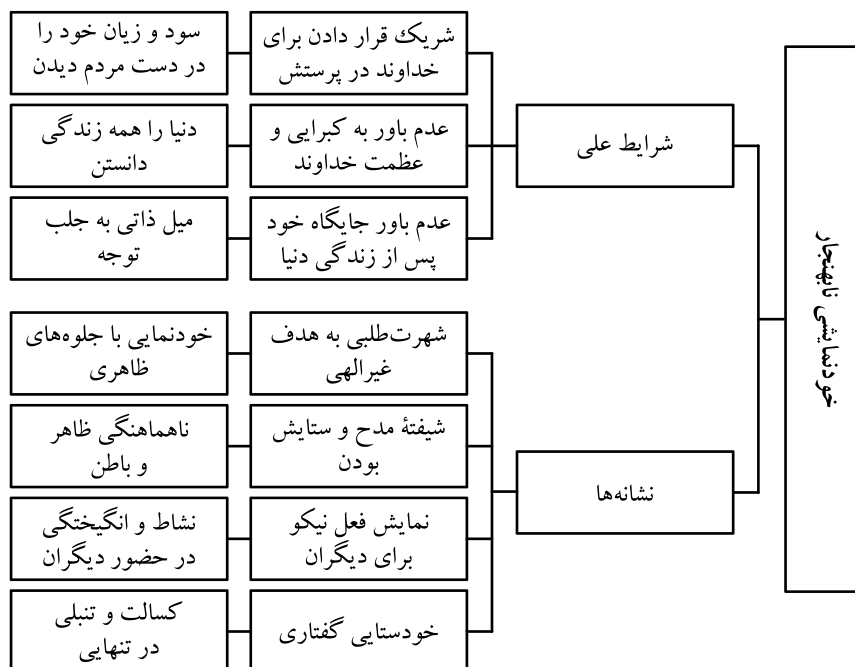
پس از مشخص شدن ابعاد مفهومی خودنمایشی نابهنجار و اعتبارسنجی یافته‌ها، مدل مفهومی آن با توجه به شرایط علی و زمینه‌ساز، آثار و نشانه‌ها و کارکردهای مربوط به هریک از بخش‌ها ترسیم و مدل‌سازی شد که نتایج آن در نمودار ۱ نشان داده شده است.

جدول ۳ نتایج اعتبارسنجی یافته‌ها

مؤلفه‌ها	CVI میزان مطابقت	CVI میزان تناسب	CVR میزان ضرورت
هر مؤلفه با مستندات	هر مؤلفه با سازه‌ها	هر مؤلفه برای سازه‌ها	
شریک قرار دادن برای خداوند در پرستش	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۶۳
عدم باور به کبریا و عظمت خداوند	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۶۳
عدم باور جایگاه خود پس از زندگی دنیا	۱	۱	۰/۸۱
دنیا را همه زندگی دانستن	۱	۱	۱
میل ذاتی به جلب توجه	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۶۳
به دیدار پروردگار امید نداشتن	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۴۵
سود و زیان خود را در دست مردم دیدن	۰/۸۱	۰/۹۰	۰/۸۱
شهرت طلبی به هدف غیرالهی	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۱
شیفته مدح و ستایش بودن	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۶۳
نمایش فعل نیکو برای دیگران	۱	۱	۰/۸۱
خودنمایی با جلوه‌های ظاهری	۰/۹۰	۰/۸۱	۰/۸۱
خودستایی گفتاری	۱	۱	۱
ناهماهنگی ظاهر و باطن	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۶۳
نشاط یا انگیختگی در حضور دیگران	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۸۱
کسالت یا رکود در تنهایی	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۶۳

شرایط
علی

نشانه‌ها



نمودار ۱ مدل مفهومی خودنمایشی نابهنجار براساس متون دینی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش واژه‌ها و گزاره‌های مرتبط با خودنمایشی نابهنجار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت تعریف مشخصی از این سازه به دست آمد. براساس یافته‌های این پژوهش خودنمایشی نابهنجار عبارت است از: فرایندی نابهنجار معطوف به خود است که فرد نسبت به نمایش خود میان انسان‌ها به هدف غیرالهی در زمینه‌های مختلف باور پیدا کرده، علاقه و هیجان نشان داده و به انواع مختلفی آن‌ها را ابراز می‌کند.

یافته‌های پیرامون سازه خودنمایشی نابهنجار با پژوهش‌هایی همسوست. شرط علی شریک قرار دادن برای خداوند در پرستش با پژوهش طباطبایی (۱۴۱۷)، بزرگ‌زاده (۱۳۸۷)، آخوندی (۱۳۹۳) همسوست. آن‌ها این شرط را تحت عناوین عدم ایمان حقیقی، استفاده از نقاب ایمان و ایمان نداشتن به خداوند آورده‌اند. شرط علی عدم باور به عظمت و کبریایی خداوند در پژوهش شاه‌پسند و تیزابی (۱۳۹۳) با عنوان جهل و نادانی درباره خداوند و توانایی‌های او از علائم نفاق برشمرده شده است. همچنین شرط علی دنیا را همه

زندگی دانستن را طبرسی (۱۳۶۷) را تحت عنوان باور نداشتن روز قیامت و شاه‌پسند و تیزابی (۱۳۹۳) تحت عنوان دنیاطلبی و ثروت‌اندوزی اشاره کرده‌اند. شرط سود و زیان خود را در دست مردم دیدن در آثار فیض کاشانی (۱۳۷۶)، نراقی (۱۳۷۸) و نراقی (۱۱۹۶) تحت طمع به آنچه در دست دیگران است از علائم ریا آورده شده است.

نشانه شهرت‌طلبی به هدف غیرالهی در تعریف موسوی خمینی از ریا (۱۳۸۴) و نشانه شیفته مدح و ستایش بودن در آثار فیض کاشانی (۱۳۷۶) و نراقی (۱۳۹۰) با عنوان دوست داشتن ثناگویی دیگران آمده است. همچنین نشانه نمایش فعل نیکو برای دیگران در پژوهش‌های زیادی اشاره شده است. برای نمونه شبر (۱۳۷۴)، فیض کاشانی (۱۳۷۶) و ابن‌فهدحلی (۱۴۰۷) طلب منزلت نزد مردم به واسطه کارهای عبادی را در تعریف ریا دخیل دانسته‌اند و محسنی (۱۳۸۶) به توضیح انواع ریا مانند ریا در نماز، روزه، حج، امر به معروف، جهاد و قرائت قرآن پرداخته است. آخوندی (۱۳۹۳) نیز نگاه ابزاری به ارزش‌ها و باورهای دینی را از علائم منافق دانسته است. نشانه تظاهر به اوصاف فریبنده، آراستگی و فریبندگی ظاهر و دوگانگی هویت اجتماعی و ریا با بدن، هیئت و شکل به ترتیب در پژوهش‌های بزرگ‌زاده (۱۳۸۷)، آخوندی (۱۳۹۳) و فقیهی و همکاران (۱۳۹۹) با نشانه خودنمایی با جلوه‌های ظاهری همسو است. باطن و ظاهر یکسان نداشتن از دیگر نشانه‌هایی است که با پژوهش جرجانی (۱۴۱۱)، ترجمه علیزاده، (۱۳۶۰)، موسوی خمینی (۱۳۸۴) و نراقی (۱۳۹۰) به عنوان اظهار ایمان در زبان و پنهان داشتن کفر در دل منافق همسوست. همچنین نشانه‌های دودلی و سرگردانی (بزرگ‌زاده، ۱۳۸۷)، دوگانگی و تضاد شخصیتی (آخوندی، ۱۳۹۳) و فقدان ثبات شخصیت (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۹) دارای تشابه مفهومی با نشانه باطن و ظاهر یکسان نداشتن هستند. همچنین نشانه نشاط و انگیزندگی در حضور دیگران در پژوهش طباطبایی (۱۳۶۸) و مهدوی کنی (۱۳۹۴) و نشانه کسالت و تنبلی در تنهایی در پژوهش مهدوی کنی (۱۳۹۴) آورده شده است.

ملاک نابهنجاری و مرضی بودن خودنمایشی در متون دینی را می‌توان در یک جمع‌بندی کلی بدین شکل مطرح کرد که اصل میل به دیده شدن در انسان مسئله‌ای ذاتی است و به هیچ عنوان امری مذموم و ناپسند نیست، اما زمانی که فرد باورهای توحیدی ندارد و تمام نفع و زیان خود را در دست انسان‌ها می‌بیند، تمام تلاشش از نمایش خود رسیدن به منافع در دست دیگران می‌شود و این خود امری مذموم و نابهنجار تلقی می‌شود. بنابراین در راستای اهداف الهی و رضایت خداوند هنگامی که فرد خودش را نمایش می‌دهد و

برای آن تلاش می‌کند، امری نابهنجار شمرده نمی‌شود؛ بنابراین هرچند فرد باورمند دینی، به محبوبیت نزد مردم اهمیت چندانی نمی‌دهد، اما خداوند نتیجه ایمان و عمل صالح را برای او محبوبیت پیدا کردن در دل‌های دیگر انسان‌ها قرار داده است.^۱ همچنین به غیر از نشانه‌ها، می‌توان نقطه تمایز اصلی این مفهوم با مفاهیم متناظر روان‌شناختی آن را، محوریت قائل شدن برای باورهای توحیدی و شناخت جایگاه خود در زندگی دنیایی و نسبت آن با خداوند دانست که آن را دارای ماهیتی کاملاً متفاوت از دیگر مفاهیم مشابه روان‌شناختی آن می‌کند.

هر پژوهشی در مسیر خودش، ناگزیر از رویارویی با مسائلی است که تفسیر، تبیین و تعمیم یافته‌های آن را با محدودیت مواجه می‌کند. پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که جامعه متنی براساس کتب متقن تر (روایات موجود در کتب قبل از قرن پنجم (کتب الف و ب)) انتخاب شد؛ در حالی که دقیق‌تر این بود که ملاک اولیه انتخاب احادیث براساس اسناد موثق‌تر (و نه درجه‌بندی کتب) صورت گیرد.

همچنین محقق جهت ساختارمند شدن مطالعات خود به سراغ کتاب میزان الحکمه رفت. استفاده هم‌زمان از ساختار دیگر کتب دینی نیز، می‌تواند نگاه جامع‌تری به این سازه به دنبال داشته باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش بستر مناسبی برای طراحی مقیاس و مداخله درمانی این سازه فراهم کرده است. در پایان پیشنهاد می‌شود هم‌بستگی این سازه با دیگر متغیرهای مرتبط روان‌شناختی بررسی شود. همچنین مؤلفه‌های این مفهوم براساس دیگر روش‌های کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در بافت فرهنگ بومی استخراج شده و مداخلات درمانی تدوین شده از آن در روان‌درمانی‌های روان‌شناسی اخلاق و روان‌شناسی دین به کار برده شود.

منابع

- قرآن کریم.
آخوندی، م. ب. (۱۳۹۳). سنخ‌شناسی نفاق در قرآن مجید (بررسی جامعه‌شناختی پدیده نفاق). آموزه‌های قرآنی، ۲۰، ۵۳-۷۶.
ابراهیم‌نژاد، م. (۱۳۸۷). خودآرایی و خودنمایی از دیدگاه اسلام. رهیافت انقلاب اسلامی، ۴، ۹۳-۱۰۴.

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶).

- ابن ابی الحدید، ع. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید). تصحیح م. ا. ابراهیم. قم: دار إحياء الكتب العربیة/مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴). لسان العرب (ج ۱-۱۵). قم: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن بابویه، م. (۱۳۷۶). الأمالی (للمصدق). ترجمه م. ب. کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، م. (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح ع. ا. ع. غفاری. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن بابویه، م. (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. تصحیح م. م. خراسان. قم: الشریف الرضی.
- ابن بابویه، م. (۱۴۰۳). معانی الأخبار. تصحیح ع. ا. غفاری. قم: جامعه مدرسين حوزة علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، م. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. تصحیح ع. ا. غفاری. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن شعبه، ح. (۱۴۰۴). تحف العقول. تصحیح ع. ا. غفاری. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن طاووس، ع. (۱۴۰۶). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم. بوستان کتاب.
- ابن فهد حلی، ا. (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. بیروت: دار الكتاب الاسلامی.
- ابن قولویه، ج. (۱۳۵۶). کامل الزیارات. تصحیح ع. ا. امینی. قم: المطبعة المبارکة المرتضویة.
- اسلامی پناه، م. (۱۳۹۲). معنا، جایگاه و آسیب‌های ریا از دیدگاه‌های تفسیری فیض کاشانی و علامه طباطبائی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- المتقی الهندی، ع. (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. قم: دارالکتب العلمیه.
- برک، ل. (۲۰۰۷). روان شناسی رشد. ترجمه ی. سیدمحمدی (۱۳۹۷). تهران: ارسباران.
- بزرگ‌زاده، ح. (۱۳۸۷). نفاق و منافقین از منظر قرآن. دین و سیاست، ۱۷ و ۱۸، ۸۳-۵۷.
- پژوهنده، ع. و دروگر، خ. (۱۳۹۰). کندوکاو روان‌شناختی در ریشه‌های تربیتی نفاق. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۹۲، ۱۱۵-۱۴۰.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح م. رجایی. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۱). التعریفات. ترجمه ع. علیزاده (۱۳۶۰). تهران: وفا.
- جعفر بن محمد (ع)، ا. (۱۳۶۰). مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقه در ترکیه نفس و حقایق و معارف الهی. ترجمه ح. مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ذیلمی، ح. (۱۴۰۸). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- رازی، ا. (۱۳۶۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی. مصححین محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. تصحیح ص. ع. داوودی. قم: دار القلم.
- راوندی کاشانی، ف. (بی‌تا). النوادر (لراوندی). تصحیح ا. صادقی اردستانی، قم: دارالکتاب.
- روحی، ک.، خوانین‌زاده، م. ح.، و سعیدی، ف. (۱۳۹۳). مفهوم و گستره تبرج زنان در تفسیر قرآن. مطالعات تفسیری، ۱۷، ۱۱۳-۱۲۸.

- روحی، ک.، خوانین‌زاده، م. ح.، و سعیدی، ف. (۱۳۹۲). ممنوعیت تبرّج زنان از منظر قرآن کریم. *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، ۱۳، ۱۲۱-۱۳۶.
- سادوک، ب. ج.، سادوک، و. آ.، و روئیز، پ. (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی کاپلان و سادوک علوم رفتاری/ روان‌پزشکی بالینی. ویراست یازدهم. ترجمه ف. رضاعی (۱۳۹۹). تهران: ارجمند.
- سجادی، ج. (۱۳۶۷). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- شاه‌پسند، ا.، و تیزابی، ه. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی دو مفهوم انفاق و نفاق در قرآن کریم. *هشکوة*، ۳۳، ۱۸-۳۷.
- شبر، ع. (۱۳۷۴). *الاخلاق*. قم: عزیزی.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۹ الف). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۲۷، ۴۱-۷۳.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۹ ب). نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۲، ۱۳۴-۱۶۰.
- شجاعی، م. ح.، جان‌بزرگی، م.، عسگری، ع.، غروی‌راد، س. م.، و پسندیده، ع. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۵، ۷-۳۸.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۰۹). *منیة المرید فی أدب المفید و المستفید*. تصحیح ر. مختاری. قم: مکتب الإعلام الاسلامی. مرکز النشر.
- صدقی، ن. (۱۴۱۲). *خودآرایی زن از دیدگاه قرآن*. ترجمه ف. غفاری (۱۳۸۱). تهران: احسان.
- طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، م. ک. (۱۳۹۸). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طبرسی، ف. (۱۳۶۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، م. (۱۴۰۹). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، م. (۱۴۱۴). *الأمالی (طوسی)*. قم: دار الثقافة.
- عسکری، ح. (۱۴۰۰). *الفروق فی اللغة*. قم: دار الآفاق الجدیدة.
- علوی نژاد، ح. (۱۳۸۶). مفهوم‌شناسی «تبرّج جاهلی». *پژوهش‌های قرآنی*، ۵۱ و ۵۲، ۱۳۶-۱۶۳.
- عیاشی، م. (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فقیهی، ز.، حاجی اسماعیلی، م. ر.، و طاهر نشاط‌دوست، ح. (۱۳۹۹). بررسی اختلال شخصیت «نمایشی» در آموزه‌های اسلامی و تطبیق آن با یافته‌های روان‌شناسی. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۴۵، ۱۸۵-۲۱۵.
- فیض کاشانی، م. (۱۳۷۶). *المحجّه البیضاء*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، ع. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی (ج ۱-۲)*. قم: دار الکتاب.
- کاستلو، ت.، و کاستلو، ج. (۱۹۹۲). *روان‌شناسی نابهنجاری*. ترجمه ن. پورافکاری (۱۳۷۳). تهران: آزاده.
- کشی، م. (۱۳۶۳). *رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)*. تحقیق م. رجایی. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- کفش کنان، م. ح.، و مردانی، م. (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه با آیات

- نفاق قرآن. حدیث و اندیشه، ۱۸، ۷۷-۱۰۰.
- کلینی، م. (۱۴۰۷). *الکافی (ط-الاسلامیه)*. تصحیح م. آخوندی و ع. ا. غفاری. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- کلینی، م. (۱۴۲۹). *کافی (ط-دار الحديث)*. تصحیح م. ح. درایتی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
- کملی، ل. (۱۳۹۰). بررسی و تبیین مؤلفه های آرایش و خودنمایی (تبرج) از دیدگاه مفسران و روان شناسان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- گروهی از نویسندگان. (۱۴۲۳). *الأصول الستة عشر من الأصول الأولية فی الروایات و أحادیث أهل البيت عليهم السلام*. تصحیح ض. محمودی. قم: مؤسسه دار الحديث الثقافیه.
- مجلسی، م. ح. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)*. قم: دار احیاء التراث العربی.
- محسنی، د. (۱۳۸۶). *ریا از منظر قرآن و روایات*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- مفید، م. (۱۴۱۳). *الأمالی (المفید)*. تحقیق ح. استادولی و ع. ا. غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خمینی، ر. (۱۳۸۴). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- مهدوی کنی، م. ر. (۱۳۹۴). *نقطه های آغاز در اخلاق عملی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- میرزایی، م. (۱۳۹۰). مفهوم شناسی نفاق، انواع و مراتب آن از منظر قرآن. *آموزه های قرآنی*، ۱۴، ۱۳۱-۱۵۰.
- نراقی، ا. (۱۳۷۸). *معراج السعاده*. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- نراقی، م. (۱۱۹۶). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نمکی، م. و، و سیدان، ف. (۱۳۹۵). *خودآرایی، علل و زمینه ها (در میان دانشجویان دانشگاه الزهراء)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س).
- ورام بن ابی فراس، م. (۱۴۱۰). *تنبيه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)*. قم: دار التعارف | دار صعب | مکتبه الفقيه |.
- هالچین، ر. و ویتبورن، ک. (۲۰۱۴). *آسیب شناسی روانی: دیدگاه های بالینی درباره اختلال های روانی براساس DSM-5 (متن کامل جلد ۱ و ۲)*. ترجمه ی. سیدمحمدی (ج ۲). تهران: روان.
- Allport, G. W. (1968). The person in psychology: Selected essays.
- American Psychiatric Association, D. S., & American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5*.
- Bolino, M. C., Varela, J. A., Bande, B., & Turnley, W. H. (2006). The impact of impression-management tactics on supervisor ratings of organizational citizenship behavior. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 27(3), 281-297.
- Cain, N. M., Pincus, A. L., & Ansell, E. B. (2008). Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/personality psychology, and psychiatric diagnosis. *Clinical psychology review*, 28(4), 638-656.
- Chiari, G. (2015). Kelly, Maturana, and Their Constructivist Theories. *The Wiley Handbook of Personal Construct Psychology*, 57.
- Chou, C., Farn, C., & others. (2015). Toward to measure narcissistic personality in cyberspace: Validity and reliability. *Psychology*, 6(15), 1984.
- Elkind, D. (1967). Egocentrism in adolescence. *Child development*, 1025-1034.

- Fointiat, V. (2008). Being together in a situation of induced hypocrisy. *Current Research in Social Psychology*, 13(12), 145–153.
- Forouhari, S., Teshnizi, S. H., Ehrampoush, M. H., Mahmoodabad, S. S. M., Fallahzadeh, H., Tabei, S. Z.,... & Kazemitabae, M. (2019). Relationship between religious orientation, anxiety, and depression among college students: A systematic review and meta-analysis. *Iranian journal of public health*, 48(1), 43.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L., (1967). The discovery of grounded theory: strategies for qualitative theory. *New Brunswick: Aldine Transaction*.
- Goffman, E. (2002). *The Presentation of Self in Everyday Life*. London, New York. Victoria: Penguin Group.
- Guadagno, R. E., & Cialdini, R. B., (2007). Gender differences in impression management in organizations: A qualitative review. *Sex Roles*, 56(7-8), 483–494.
- Halgin, R. P., & Whitbourne, S. K. (2014). *Abnormal Psychology*. Clinical Perspectives on Psychological Disorders, 4th.
- Horney, K. (2013). *Our inner conflicts: A constructive theory of neurosis*. Routledge.
- Kohut, H. (1972). Thoughts on narcissism and narcissistic rage. *The psychoanalytic study of the child*, 27(1), 360-400.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Morf, C. C., Torchetti, L., & Schürch, E. (2011). Narcissism from the perspective of the dynamic self-regulatory processing model. *The handbook of narcissism and narcissistic personality disorder: Theoretical approaches, empirical findings, and treatments*, 56-70.
- Polit, D. F., & Beck, C. T. (2006). The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Research in nursing & health*, 29(5), 489–497.
- Sabini, J. (1995). *Social psychology*. New York: Norton & Company.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2016). *Theories of personality*. Cengage Learning.
- Weinberger-Litman, S. L., Rabin, L. A., Fogel, J., Mensinger, J. L., & Litman, L. (2016). Psychosocial mediators of the relationship between religious orientation and eating disorder risk factors in young Jewish women. *Psychology of Religion and Spirituality*, 8(4), 265.
- Zeng, F. Li, W., Wang, V. L., & Guo, C. (2019). The impact of advertising self-presentation style on customer purchase intention. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*.